

چگونگی بازتاب مؤلفه‌های هویتی و شخصیتی سربازان ایرانی در سفرنامه‌های

خارجی

جواد نظری مقدم^۱

۵۵

سال چهاردهم

پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۵/۲۰

صص: ۸۴-۶۱

شابا چاپ: ۵۱۶۲-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۵۱۷-۲۶۴۵



چکیده

سیاحان خارجی دوره صفویه و قاجار، ضمن توصیف جامعه ایرانی به بیان ویژگی‌ها و ساختار ارتش در ایران و نیز ویژگی‌های سربازان ایرانی و مقایسه آنان با قوای نظامی دیگر کشورها پرداختند. بررسی ویژگی سربازان ایرانی به مثابه یکی از عناصر اجتماعی و گروه‌های صنفی در جامعه ایرانی و مقایسه آن با دیگر جوامع می‌تواند به توصیف دقیق‌تری از هویت جامعه ایرانی بیانجامد. در این پژوهش تلاش شده است تا با اتخاذ رویکردی توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع تاریخی و مردم‌شناسی چگونگی توصیف ویژگی‌های قوای نظامی ایرانی از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگر چه در بخشی از سفرنامه‌ها بر ضعف نظام ارتش در ایران به طور کلی اشاره شده است اما در اغلب سفرنامه‌ها، ویژگی‌های سربازان و قوای نظامی ایران مورد ستایش سیاحان قرار گرفته و در گاهی موارد سربازان ایرانی به مثابه عنصری برابر و حتی برتر در مقایسه با سربازان کشورهای اروپایی معرفی شده‌اند. از نگاه سیاحان خارجی، مسئولیت‌پذیری و سختکوشی و پشتکار، شجاعت و مهارت، باهوش و مستعد و آموزش‌پذیر، دینداری و داشتن تعلقات مذهبی و رفیق و مدارا با مردم از جمله برجسته‌ترین و مهمترین ویژگی‌های سربازان ایرانی به شمار می‌رود. با اتکا بر نتایج این پژوهش می‌توان به تصویر نسبتاً روشنی از شخصیت و هویت جامعه ایرانی دست یافت. **کلیدواژه‌ها:** روانشناسی اجتماعی، سفرنامه، هویت ملی، خلیقات، قوای نظامی.

DOR:

مقدمه و بیان مسئله

سیاحانی که در دوره صفویه و قاجار به ایران سفر کرده‌اند ضمن حضور در مناطق مختلف به توصیف ویژگی‌های جامعه ایرانی و ساختارهای سیاسی موجود و نیز شاخصه‌های هویتی گروه‌های مختلف صنفی و اجتماعی پرداخته‌اند. مطالعه و بررسی سفرنامه‌های خارجی موجود نشان می‌دهد ویژگی‌های سربازان و قوای نظامی ایران و نیز ساختار و مکانیسم حاکم بر ارتش ایران همواره مورد توجه سیاحان خارجی بوده و در بخش قابل توجهی از مکتوبات و سفرنامه‌های خارجی گزارش‌های جالب توجهی در باب ویژگی‌های سربازان و نیروهای نظامی ایرانی و مقایسه آنان با دیگر قوای نظامی در جهان ارائه شده است.

سفرنامه‌ها یکی از مهمترین منابع حوزه مردم‌شناسی و تاریخ اجتماعی به شمار می‌روند و اگر چه برخی گزارش‌های سفرنامه‌نویسان گاه با خطای دید و تحلیل آنان در توصیف پدیده‌های اجتماعی همراه است اما به هر ترتیب این دست گزارش‌ها در کنار دیگر منابع و اسناد موجود در حوزه تاریخ و مردم‌شناسی می‌تواند شواهد قابل اعتنایی در توصیف واقعیت‌های اجتماعی باشد. علت انتخاب سفرنامه به عنوان زمینه مورد مطالعه بر این اساس است که در این منابع ارزشمند، روایت‌ها و دیدگاه‌های افراد مختلف در ارتباط با جنبه‌های مختلف زندگی مردم بازنمایی شده و از منابع دست اول در حوزه مطالعات مربوط به فرهنگ عامه محسوب می‌شود.

ایران همواره به عنوان کشوری مهم و تاریخی مورد توجه **مستشرقین و سیاحان خارجی** بوده است و بسیاری از کسانی که وارد ایران شده‌اند اقدام به نگارش گزارشات و خاطرات خود نموده‌اند. سابقه سفرنامه‌نویسی با موضوع ایران به ۵۵۰ سال پیش از میلاد بر می‌گردد. تعداد گزارش‌ها و سفرنامه‌های مربوط به دوره پیش از دوره اسلامی اندک است. از حمله مغول به بعد کم کم بر تعداد سفرنامه‌ها افزوده می‌شود. به استثنای برخی سفرنامه‌های سفرنامه‌نویسان مسلمان، تا قرن ششم و هفتم هجری قمری/ دوازدهم و سیزدهم میلادی تعداد اروپاییانی که از ایران دیدن کردند بسیار اندک بود، اما با تغییرات سیاسی در آسیا و اروپا و حمله‌های متعدد اقوام و قبایل مغول به غرب آسیا و اروپا، دگرگونی‌هایی نیز در امر مسافرت و جهانگردی پدید آمد. با تثبیت سیاسی در منطقه و دلایل سیاسی و اقتصادی به تدریج توجه ونیزیان به مشرق زمین و بالطبع ایران

جلب شد. در این قرون بیشترین اطلاعات از این نواحی را ونیزیان در اختیار می‌گذارند (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۴۹۷). نخستین مسافران به ایران، ناخدایان کشتی‌ها، سوداگران و ماجراجویان بودند بعدها جستجوی امور شگفت، تحصیل عملی زبان و تبلیغات مذهبی و دیگر موارد به این انگیزه‌ها اضافه شد (شیبانی، ۱۳۵۳: ۲۷).

به تدریج از دوره صفویه ایران وارد تعاملات فرهنگی و سیاسی با غرب شده و در نتیجه سیاحت و سفیران متعددی وارد ایران می‌شدند و تعدد سفرنامه‌های از این دوره رشد بسیار زیادی پیدا می‌کند. از دوره صفویه به بعد به ویژه دوره قاجار به دلیل گسترش ارتباطات ایران با غرب، بالاخص با تمایلات گسترده شاه عباس برای این روابط و از سوی دیگر تکاپوهای درونی جوامع غربی پس از رنسانس برای شناخت دیگر فرهنگ‌ها و گسترش سفرهای ماجراجویانه جوانان غربی در سرزمین‌های دیگر، میزان بسیار زیادی از ادبیات سفرنامه‌نویسی درباره ایران تولید شده است که تا دوران فعلی ادامه داشته است.

در دوره صفویه و به ویژه در دوره قاجار مسافران و سیاحتان خارجی در ضمن سفر به توصیف ساختار نظامی و ارتش ایران و نیز ویژگی‌های سربازان ایرانی پرداختند. بخشی از این سیاحتان خود در قامت نیرویی نظامی در ایران حضور داشته و از نزدیک با سربازان و افسران و نیروهای نظامی ایران مواجه بوده‌اند. آنان در سفرنامه‌های خود ضمن توصیف سربازان ایرانی و استعدادها و توانایی‌ها و ظرفیتهای موجود در میان نیروهای نظامی ایرانی اشاره داشته و به ذکر جزئی‌ترین مسائل در باب شرایط حاکم بر قوای نظامی ایران پرداختند.

بسیاری از پژوهش‌هایی که در حوزه خلیقات ایرانیان انجام یافته به ارائه تصویری کلی از شخصیت ایرانیان پرداخته و کمتر به توصیف ویژگی‌هایی خلقی صنف‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف به مثابه بخشی از عناصر اجتماعی جامعه ایرانی پرداختند. به عبارت دیگر وقتی ادعا می‌شود انسان ایرانی واجد یک دسته از ویژگی‌های شخصیتی و خلقی است این ویژگی‌ها باید در خلیقات صنف‌ها و گروه‌های اجتماعی جامعه بازتاب پیدا کند. و این آن چیزی است که در متون حوزه خلیقات ایرانیان و تحلیل شخصیت جامعه ایرانی مورد غفلت واقع شده است.

مطالعه و بررسی در زمینه ویژگی‌های سربازان و نیروهای نظامی به مثابه بخشی از عناصر اجتماعی جامعه ایرانی در طول تاریخ از نگاه سفرنامه‌نویسان می‌تواند به توصیف واقعی‌تری از

چگونگی شخصیت و خلیات جامعه ایرانی در طول تاریخ و نیز هویت انسان ایرانی بیانجامد. چرا که می‌توان انتظار داشت ویژگی‌های نیروهای نظامی ایران، تا اندازه‌ای بازتابی از ویژگی‌های جامعه ایرانی باشد. از اینرو این بررسی در واقع می‌تواند به بخشی از پرسش‌هایی که در چارچوب مفهوم هویت ملی در باب خلیات جامعه ایرانی در ذهن پژوهشگران اجتماعی شکل گرفته است پاسخ دهد.

بر این اساس در این بررسی تلاش می‌گردد تا ضمن بررسی و مطالعه متون و گزارش‌های سفرنامه نویسان از دوره صفویه تا قاجار تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که سیاحان خارجی در سفرنامه‌های خود چه توصیفی از قوای نظامی ایران ارائه نموده‌اند و از نگاه آنان، سربازان ایرانی از چه ویژگی‌های برجسته خلقی برخوردار بوده‌اند؟ در این بررسی تلاش خواهد شد تا با خوانش گزارش سفرنامه‌های خارجی، مهمترین و پرتکرارترین ویژگی‌هایی که سیاحان برای سربازان ایرانی برشمرده‌اند استخراج و ارائه گردد.

دسته‌ای از پژوهش‌های مطالعات حوزه جنگ ضمن یک بررسی تاریخی، ساختار ارتش در ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. موسوی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی ساختار ارتش ایران در دوره قاجار از آغاز سلطنت آقا محمدخان تا پایان عهد سلطنت محمدشاه قاجار پرداخته است. نویسنده ضمن بهره‌گیری از اسناد و منابع تاریخی و نیز گزارش‌های سفرنامه‌نویسان به چگونگی مشکلات و موانع داخلی و خارجی در راه نظام‌مند شدن ساختار ارتش اشاره داشته است. بر پایه یافته‌های پژوهش به دنبال شکست ایران از ارتش روس برخی از نخبگان و کارگزاران ایرانی به دنبال اصلاح ساختار ارتش برآمدند و در این مسیر از مستشاران نظامی جهت تعلیم و تربیت قوای نظامی استفاده شد اما در ادامه برخی مشکلات داخلی و نیز دست‌اندازی‌ها و دخالت‌های کشورهای خارجی این فرایند را با مشکل مواجه نمود.

شیخ‌نوری (۱۳۸۵) در پژوهشی ضمن یک بررسی تاریخی و تحلیلی و توصیف سازمان لشکری ایران در دوره قاجار از نگاه سفرنامه‌نویسان و دیگر اسناد تاریخی، به بررسی ساختار ارتش در دوره پهلوی و چگونگی فرایند تغییر ساختار ارتش پرداخته است. از نگاه نویسنده گرایش پهلوی‌ها به غرب و اروپا در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی به قصد کسب هویت و قدرت موجب گردید تا علی‌رغم ظرفیتها و توانایی‌ها بومی، اصلاح ضعیف و سستی در کشور نه تنها به استقلال

و خودباوری منجر نگردد بلکه از خود بیگانگی و فاصله از ریشه های هویت و قدرت را در کشور به دنبال داشت. نتیجه آنکه جامعه ایرانی هم از دستاوردهای سنت و هم سویه مثبت مدرنیسم محروم شد. در این شرایط ارتش نیز به لحاظ صوری و شکلی مدرن اما در ماهیت غیر مدرن بود. صحت منش (۱۳۹۷) بررسی وضعیت ساختار و نظام توپخانه در ارتش دوره قاجار را در نقطه تمرکز خود قرار داده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و رجوع منابع تاریخی و سفرنامه‌ها و اسناد، نظام توپخانه قاجار به بحث گذاشته شده است. یافته‌ها پژوهش نشان می‌دهد در ساختار اجتماعی ایران، سران ایلات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و این گروه مانع از شکلگیری پیاده نظام و توپخانه به مثابه رقیبان سواره نظام بودند. بر این اساس در دوره قاجار و به ویژه در جنگهای داخلی همواره سواره نظام چه از نظر کمیت و چه در ساختار ارتش از اهمیت بیشتری در مقایسه با توپخانه و پیاده نظام برخوردار بود و همین مسئله خود یکی از مهمترین دلایل ناکامی ارتش ایران در برابر قوای نظامی روس و انگلیس به شمار می‌رود.

پژوهش علم و حسینی (۱۳۹۷) مطالعه‌ای است در جهت پاسخ به چرایی عدم شکلگیری ارتش مدرن در دوره قاجار و عدم تحقق اصلاحات نظامی در این دوره تاریخی. در این بررسی پاسخ نویسندگان به این پرسش مبتنی بر نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز، چند بعدی است و عوامل متعددی از کارگزاران گرفته تا ساختار را شامل می‌گردد. بر اساس رویکرد نظری گیدنز کارگزار و ساختار در کنار یکدیگر موجب شکلگیری یک پدیده می‌شوند و هیچ یک بر دیگری رجحان ندارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مخالفت‌های کارگزاران داخلی، و کارشکنی و دخالت‌های عوامل خارجی از یک طرف و ضعف و ناکارآمدی ساختار اقتصادی و ضعف ساختار نظامی از سویی دیگر از مهمترین موانعی تحقق اصلاحات نظامی و شکلگیری ارتش مدرن را در نیمه نخست دوره قاجار بودند. علی‌بابایی (۱۳۸۲) تکمیل همایون (۱۳۷۶) ابوالحسنی (۱۳۸۵) نیز هر یک در پژوهش‌های خود به ساختار ارتش در ایران و فرایند اصلاحات نظامی به ویژه از دوره قاجار در ایران پرداخته‌اند.

دسته دیگری از پژوهش‌های حوزه مطالعات نظامی، موضوع شخصیت و هویت و بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی نیروهای نظامی با دیگر متغیرها را در نقطه تمرکز خود قرار داده‌اند. به عنوان

نمونه، مهرابی و همکاران در پژوهش خود در قالب یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی به بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در سبک زندگی نیروهای نظامی در ایران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با بالارفتن ویژگی‌های شخصیت دینی تقوا و برون‌گرایی، سبک زندگی نیروهای نظامی بهتر می‌شود. بهرامی و کامرانی (۱۳۹۵) نیز در بررسی خود ضمن تمرکز بر موضوع هویت و شخصیت در مقاله‌ای به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی با میزان هیجان‌خواهی نیروهای عملیاتی سازمان‌های نظامی در استان البرز پرداخته و نشان داده‌اند که میان متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و هیجان‌خواهی رابطه معنادار وجود دارد.

همانطور که اشاره شد، ویژگی‌های شخصیتی نیروهای نظامی و نیز ارتش و ساختار حاکم بر آن و چگونگی روند تغییر و تحولات ساختاری آن از جمله موضوعات مورد توجه پژوهشگران حوزه تاریخ مطالعات جنگ بوده است. اما می‌توان گفت هیچ‌یک از پژوهش‌های این حوزه با رویکردی جامعه‌شناختی و تاریخی در چارچوب مفهوم هویت، این موضوع را مورد مطالعه قرار نداده‌اند و بحث و بررسی در زمینه ویژگی‌های شخصیتی و هویتی سربازان و قوای نظامی ایران به مثابه بخشی از عناصر اجتماعی جامعه ایرانی در غالب پژوهش‌ها مورد غفلت واقع شده است و بیشتر از زاویه سیاسی یا مطالعات نظامی و یا روانشناختی به آن توجه شده است و با رویکردی اجتماعی و مردم‌شناختی به آن پرداخته نشده است. بر این اساس در این بررسی تلاش می‌شود تا با اتکا بر روایت سیاحان خارجی دوره صفویه و قاجار مهمترین و برجسته‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی سربازان و قوای نظامی ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

روش پژوهش

این مطالعه یک بررسی توصیفی و تحلیلی است که در آن با اتخاذ رویکردی اتیک (نگاه از بیرون) با استفاده از منابع تاریخی و مردم‌شناسی برجسته‌ترین و مهمترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های هویتی سربازان و قوای نظامی ایران به مثابه یکی از عناصر اجتماعی جامعه ایرانی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. شناخت ویژگی‌های جامعه ایرانی می‌تواند از دو دیدگاه نگاه از

درون یا نگاه خودی (رویگرد امیک)^۱ و نگاه از بیرون یا نگاه دیگری (رویگرد اتیک)^۲ مورد بررسی قرار گیرد. رویگرد اتیک نگاهی بیرون موضعی را برای درک و فهم فرهنگ از چشم‌اندازی متفاوت فراهم می‌کند. (وثوقی، میرزایی و رحمانی، ۱۳۸۴: ۳۰۹). پژوهش حاضر در واقع روایتی است از ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه ایرانی در طول تاریخ از نگاه سیاحان خارجی. چرا که می‌توان انتظار داشت ویژگی‌ها این دسته از عناصر اجتماعی تا اندازه‌ای بازتابی از هویت و شخصیت ایرانیان باشد. لذا برای رسیدن به تصویری نسبتاً روشن از ویژگی‌های شخصیتی و مشخصه‌ها قوای نظامی ایرانی، سفرنامه‌ها به عنوان یکی از منابع حوزه مردم‌شناسی در نقطه تمرکز این مطالعه قرار گرفت. چرا که توصیف سیاحان از گروه‌های مختلف صنفی در ایران به مثابه یک مشاهده‌شونده و جامعه مورد مطالعه می‌تواند نمایانگر شاخصه‌های هویتی جامعه ایرانی در مقایسه با دیگر فرهنگ‌ها باشد.

منابع مورد مطالعه شامل سفرنامه‌هایی است که از دوره صفویه تا قاجار نوشته شده است. تلاش شده تا در این بررسی به پراکندگی و تنوع جغرافیایی سیاحان توجه شود لذا این منابع تنها شامل سفرنامه‌های نویسان اروپایی نیست و آثار و مکتوبات سیاحان غیر اروپایی نیز مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته است.

در جدول زیر به منابع و سفرنامه‌های مورد بررسی در این پژوهش اشاره می‌شود.

سفرنامه شاردن	سفرنامه ساموئل بنجامین	سفرنامه ژنرال گاردان
سفرنامه کمپفر	سفرنامه دو گوینو	سفرنامه پاتینجر
سفرنامه گارسیا د سیلوا فیگوئروا نو	سفرنامه کاترینو زنو	سفرنامه ویشارد
سفرنامه آدام اولناریوس	سفرنامه ژوبر	سفرنامه مک گرگر
سفرنامه پیترودلاواله	سفرنامه هاینریش بروگش	سفرنامه ادوارد اسکات وارینگ
سفرنامه ونیزیان در ایران	سفر اروپائیان به ایران	سفرنامه فوروکاوا
سفرنامه پولاک	سفرنامه اوژن فلاندن به ایران	سفرنامه یه نا گا توویکیچی
سفرنامه دالمانی	روزنه‌ای به تاریخ ایران	سفرنامه سوزوکی شین جو
سفرنامه دروویل	سفرنامه اورسل	سفرنامه ماساجی

1. emic
2. etic

یافته‌های پژوهش

توجه به ساختار و وضعیت و شرایط ارتش و قوای نظامی در ایران یکی از موضوعاتی است که در بسیاری از سفرنامه‌ها به آن پرداخته شده و اغلب سیاحان خارجی ضمن توصیف جامعه ایرانی گزارش‌هایی در خصوص ساختار و نظام سلسله مراتب ارتش و تجهیزات و تسلیحات و امکانات نظامی و نیز ویژگی‌های نیروهای نظامی ایرانی ارائه نموده‌اند. در این بخش تلاش می‌گردد به مهمترین ویژگی‌های سربازان ایرانی از نگاه سیاحان اشاره شود.

مسئولیت‌پذیری و سخت‌کوشی سرباز ایرانی

وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌هایی است که سیاحان در گزارش‌های خود در توصیف سرباز ایرانی ذکر کرده‌اند. در این مکتوبات غالباً سربازان، نیروهایی بسیار سختکوش و مقاوم و اهل قناعت و حتی برتر از سربازان دیگر کشورها و قدرتهای اروپایی معرفی شده‌اند. پولاک که در دوره ناصری به ایران آمده و پزشک دربار ناصرالدین شاه قاجار است در سفرنامه خود به این مسئله اشاره کرده که سرباز ایرانی به قدری مسئولیت‌پذیر و وظیفه‌شناس است که حاضر است در چارچوب انجام وظیفه خود، سختی‌های بسیاری را از قبیل تشنگی، گرسنگی، سرما، بیخوابی و پیاده‌روی ممتد تحمل کند. از نگاه پولاک این ویژگی و محاسن سربازان ایرانی تا به حدی است که گاه مقامات مافوق از آن سوء استفاده می‌کنند و گمان می‌کنند سرباز در بدترین شرایط ممکن با علف هم می‌تواند شکم خود را سیر کند و لذا تکالیف و فشار بسیاری بر آنان تحمیل می‌کنند و همواره به هر اقدامی دست می‌زنند تا سربازان را به نابودی بکشانند (پولاک، ۱۳۶۸، ۴۰).

جان ویشارد ضمن اشاره به وظیفه‌شناسی و سخت‌کوشی سربازان ایرانی و مقایسه آنان با سربازان غربی می‌گوید «این سربازان می‌توانند فقر و عسرت را به راحتی تحمل کنند و فواصل طولانی را با جیره‌ای که یک سرباز غربی حتی قادر به خوردن آن نیست سر کنند (ویشارد، ۱۳۶۳، ۳۶۲). به اعتقاد ژنرال گاردان فرانسوی «سرباز ایرانی قانع و مطیع و در تحمل سختی بردبار است (گاردان، ۱۳۶۲: ۷۵) سوزوکی سیاح ژاپنی علی‌رغم ذکر ویژگی‌های بد ارتش ایران در

دوره قاجار در انتهای توصیف خود از ارتش ایران می‌گوید «با این همه سربازان ایرانی خوش بنیه و تناورند و به غذای ساده قانع و در سختی‌ها بردبارند» (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

بروگش این جدیت و مقاومت و سختکوشی سربازان ایرانی را ستوده و معتقد است به اذعان بسیاری از مستشاران نظامی خارجی که در ایران حضور دارند با وجود امکانات محدودی که در اختیار نیروی نظامی ایران دوره قاجار قرار دارد، روحیه پایداری و مقاومت سربازان ایرانی از سربازان دیگر کشورها برتر به نظر می‌رسد. او در این رابطه می‌گوید:

«مقاومتی که این سربازان در جنگ‌ها با وجود نداشتن اسلحه، لباس و غذای کافی نشان می‌دهند واقعاً حیرت آور و مافوق تحمل انسانی است. آنها کاملاً مطیع و فرمانبردار هستند و تا هنگامی که افسران میدان جنگ را رها و فرار اختیار نکرده باشند ایستادگی و با کمال شجاعت پایداری می‌کنند... مستشاران خارجی که در ارتش ایران خدمت می‌کنند جملگی در این موضوع متفق القولند که سربازان ایرانی دارای کلیه مشخصات و خصوصیات یک سرباز خوب هستند. آنها با اراده، مطیع، آموزش‌پذیر و کنجکاو هستند و از نظر پایداری و مقاومت و **تحمل شاید از سربازان همه کشورها برتر می‌باشند** (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۸۶).

گزارش دو گیبونی فرانسوی نیز اظهارات بروگش و دیگران را درباره سختکوشی و قناعت سربازان ایرانی تأیید می‌کند. او نیز در سفرنامه خود اظهار داشته که سرباز ایرانی با وجود امکانات محدود با شکم گرسنه و لباس نامناسب و عدم دارا بودن تجهیزات اولیه نظامی مقاومت بالایی در برابر دشمنان از خود نشان می‌دهد و در بسیاری مواقع توانستند با ابتنا به همین ویژگی‌ها بر دشمنان فائق آیند (دوگوبینو، بی تا، ۱۱۳). از نگاه اورسل نیز سربازان ایرانی که نه خوب تغذیه می‌شوند و نه پول و مواجب کافی دریافت می‌کنند در صحنه نبرد، مقاومت و دلیری کم نظیری از خود نشان می‌دهند و رزمندگان ماهری هستند (اورسل، ۱۳۵۲، ۲۵۴).

کلنل مک گرگر، افسر ارتش انگلیس در عهد ملکه ویکتوریا که از نزدیک شاهد توانایی‌های نیروهای نظامی ایرانی در دوره قاجار بوده پس از بازدید از دسته‌ای سواره‌نظام‌های ایرانی آنان را مردمی «خدمتگزار و مفید به حال کشورشان» توصیف نموده است (مک گرگر، ۱۳۶۸: ۱۹) و سربازان ایرانی را «بسند و کارآمد» معرفی می‌کند (همان، ۲۴). او همچنین به این نکته اشاره کرده که سواره نظام ایرانی می‌توانند مسافت‌های طولانی را طی کنند و از خانه و زندگی خود دور باشند

بدون آنکه به کالسکه و یا ارابه اضافی نیاز داشته باشند (همان: ۲۳) به اعتقاد کاترینو زنو نیز «در هیچ قشونی سواره نظامی بهتر از سواره نظام ایران دیده نشده است. مردانی بلندقامت و سخت نیرومند بودند و در بکار بردن سلاح خود بسیار زبردست، به حدی که می‌گفتند که دسته کوچکی از آنان می‌توانست فوجی از لشکر دشمن را شکست دهد.» (زنو، ۱۳۷۸: ۲۳۲)

شجاعت و دلیری سرباز ایرانی

شجاعت و دلیری مردم یک سرزمین گاه در جنگاوری و شجاعت سربازان و نیروی نظامی آن بروز و ظهور پیدا می‌کند و از چگونگی ویژگی سربازان و قوای نظامی یک کشور می‌توان به ویژگی مردمان یک کشور پی برد. شجاعت و تهور از جمله ویژگی‌های مثبتی است که بخش قابل توجهی از سیاحان خارجی به سربازان ایرانی نسبت می‌دهند. از نگاه شاردن ایرانیان ذاتاً مردمانی «دلیر و جنگجو» و «مایه افتخار» و «گل سرسبد مشرق زمین» هستند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۸۷). پولاک در توصیف شجاعت سرباز ایرانی او را «فطرتاً جسور» معرفی می‌کند؛ و معتقد است «در این مملکت مصالح بسیار خوب برای تشکیل یک سپاه عالی وجود دارد» (پولاک، ۱۳۶۸، ۴۰)

بروگش نیز در بخشهایی دیگری از سفرنامه خود، از ترس و بزدلی فرماندهان و شجاعت سربازان سخن گفته و سربازان ایرانی را رشید و شجاع و متهور توصیف می‌کند (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۶۴). او ضمن اشاره به ضعف و فساد موجود در طبقه حاکم معتقد است افسران عالی‌رتبه به سربازان و زیردستان توجهی ندارند.

«ولی هر قدر وضع لباس و زندگی و اعاشه سربازان ایرانی تأسف آور است، روحیات و مشخصات سربازی آنها با کمال تعجب در درجات عالی قرار دارد... و از همه مهمتر کاملاً شجاع و دلیر هستند. اما بدبختی بزرگ این است که این سربازان در تحت فرماندهی افسرانی قرار دارند که مشخصات و خصوصیات آنها کاملاً متفاوت از سربازان است.» (بروگش، ۱۳۶۷، ۱۸۶)

همانطور که اشاره شد گزارش سفرنامه‌نویسان نشان می‌دهد که اگر چه از نگاه آنان، فرماندهان و افسران نظامی ارتش ایران افرادی بی‌کفایت و ضعیف به نظر می‌رسند اما این ویژگی در میان سربازان مشاهده نمی‌شود و سربازان بر خلاف فرماندهان از شجاعت مثال زدنی برخوردارند. این نکته در سفرنامه دو گوینو نیز آمده او می‌نویسد: «حقیقتاً جای تعجب می‌باشد که این گونه سرباز با

شکم گرسنه و بدن برهنه و با وجود افسرانی که از حیث معلومات بالاتر از سرباز نیستند باز هم شجاعت دارد و کراً اتفاق افتاده که با سرنیزه به ارتش اروپایی حمله کرده و فتح نموده‌اند» (دوگوبینو، بی تا، ۱۱۳). اورسل نیز در توصیف مهارت و شجاعت سرباز ایرانی می‌نویسد: «این سربازان بخت برگشته که نه خوب تغذیه می‌شوند و نه پول کافی می‌گیرند در مواقع جنگ، شهامت و دلیری کم‌نظیری از خود نشان می‌دهند و رزمندگان ماهری هستند» (اورسل، ۱۳۵۲، ۲۵۴).

از نظر بنجامین «اصولاً ایرانی‌ها مردمانی جسور و شجاع هستند و کمتر آدم ترسوئی میان آن‌ها پیدا می‌شود» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۲۸). بنجامین ضمن اشاره به ویژگی‌های سربازان ایرانی و تفاوت آن‌ها با فرماندهان معتقد است «به درستی می‌توان گفت تهرانی‌ها، بختیاری‌ها، لرها، کردها و شاهسون‌ها که استخوان بندی ارتش ایران را تشکیل می‌دهند به هیچ وجه ضعیفتر و ناتوان‌تر از ترک‌ها نیستند و خیلی بهتر و دلیرانه‌تر از آن‌ها می‌جنگند» (همان، ۳۶۸). یکی از سیاحان اسپانیایی نیز در سفرنامه خود به شجاعت و جنگاوری ایرانی و به ویژه جنگاوری سربازان قمی در ارتش ایران اشاره داشته است (فیگوئرا، ۱۳۶۳، ۲۴۹). برخی دیگر نیز ضمن توصیف مهارت و کارایی سربازان آنان را از نظر شجاعت و دلیری و پایمردی قابل قیاس با سربازان اروپایی می‌دانند.

«اگر ما بخواهیم در خوی و طبیعت سربازان ایرانی قضاوت کنیم باید بپذیریم که اینان سربازانی دلیر و سلحشور و صاحب دیسپلین هستند و چنانچه شجاعت و پایمردی آنان را در کسب پیروزیها مورد ارزیابی فرار دهیم من می‌ترسم که بگویم آنها تا حد زیادی شباهت به قشون ایتالیا دارند که در تمام روز می‌جنگند و حتی یک نفر تلفات نمی‌دهند» (وارینگ، ۱۳۶۹: ۲۰۵)

مهارت سربازان ایرانی

سیاحان خارجی در گزارشهای خود، مهارت و توانایی‌های نظامی سربازان ایرانی را مورد ستایش قرار داده‌اند. بولاک ضمن توصیف سربازان ایرانی و وضعیت بد رسیدگی به آنان معتقد است اگر فرماندهان اعتماد سربازان را جلب کنند و اگر دلسوزی و مزد و مناسبی در کار باشد ایران می‌تواند دارای نیروی نظامی خوبی باشد. چرا که از نظر او «این سربازان از همان خون و نژادی هستند که روزگاری نادرشاه به کمک آن‌ها نه تنها کشور را از چنگ دشمنان نجات بخشید، بلکه سراسر آسیا را به لرزه افکند و حتی روسیه را به احترام واداشت. متأسفانه این مواد اولیه عالی

عاطل و باطل و بی فایده، همه به هدر می‌رود» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۴) و این ناکامی ریشه در مدیریت ضعیف و عدم استفاده از این ظرفیت‌ها و توانایی و مهارت سربازان ایرانی دارد. پاتینجر ضمن مشاهدات خود از مهارت سربازان بلوچ در تیراندازی و نیز توانایی بالای آنان در جنگ تن به تن سخن گفته است (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۶۸) فوروکاواوی ژاپنی که از نزدیک شاهد رژه هنگ و چابک‌سواران بوده گفته است که «ایرانی‌ها معمولاً سوارکاران خوبی هستند و نامرغوبی اسب را با مهارت خود جبران میکنند» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

دروویل ضمن تأکید بر مهارت و نظم سواره نظام ایرانی و مقایسه این دسته از نیروهای نظامی با سواره نظام در دیگر کشورهای دنیا در این باره آورده که «سوار نظام منظم من حیث المجموع به سبک فرانسوی سازمان داده شده، بی چون و چرا می‌تواند با بهترین سواره نظام دنیا رقابت کند» (دروویل، ۱۳۶۵: ۲۷۶). اولتاریوس روسی که به توصیف ارتش ایران در زمان صفویه پرداخته معتقد است سربازان ایرانی تند و چالاکاند و همه سواری می‌دانستند. او سواران ایرانی را از حیث مهارت چیزی شبیه سواران ارتش کشور خود دیده است (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۱۸) توصیفات اولتاریوس و فلاندن، کاترینو زنو از ارتش ایران در دوره صفویه و قاجار نیز بر جسارت و مهارت و از خودگذشتگی سربازان ایرانی دلالت دارد. (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۲۹۰، ۳۱۹ و فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۵۲، سفرنامه ونیزیان، ۱۳۷۸: ۲۳۲)

مستعد، باهوش و آموزش پذیر

بسیاری از سیاحان خارجی ضمن توصیف ساختار ارتش در ایران و مقایسه آن با غرب، سربازان ایرانی را سربازانی دارای استعداد و هوش و توانایی بالا و آموزش پذیر معرفی نموده‌اند. از دوره قاجار به دنبال ناکامی ارتش ایران در برابر روس، کارگزاران حکومتی در ایران اقدام به اصلاح ارتش ایران از طریق ورود مستشاران نظامی غربی کردند. این اقدامات در جهت تغییر ساختار سنتی ارتش در ایران و تبدیل آن به یک ارتش مدرن و ساختاریافته انجام گرفت. مشاهدات سیاحان خارجی از وضعیت سربازان و قوای نظامی ایران در دوره قاجار حاکی از آن است که علی‌رغم ضعف حاکم بر ارتش ایران در مقایسه با ارتش‌های مدرن غربی، سربازان ایرانی از ظرفیتها و توانایی‌های بالا و در خور توجهی برخوردار بوده‌اند. اغلب کسانی که ضعف حاکم بر قوای نظامی ایران را در این دوره به نقد کشیده‌اند در اظهارات خود بر این مسئله تأکید

داشته‌اند که در صورت توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های سربازان ایرانی و تربیت و آموزش مداوم این سربازها میتوان انتظار داشت ارتش ایران تبدیل به یکی از قدرتمندترین ارتش‌های دنیا شود. جان ویشارد از جمله کسانی است که در سفرنامه خود به این نکته اشاره داشته است. او عدم توجه و رسیدگی کافی به وضعیت سربازان ایرانی را یکی از دلایل ضعف نظام ارتش در ایران می‌داند و همانند بسیاری دیگر معتقد است اگر به سربازان ایرانی رسیدگی شود و حقوق مکفی دریافت نمایند مدت زیادی طول نخواهد کشید که توجه جهانیان را به جانب خود جلب خواهند کرد.» (ویشارد، ۱۳۶۳، ۳۶۲) فوروکاوا نیز بیان داشته که چنانچه نیروی سواره‌نظام ایران تقویت شود، ایران کشوری بسیار نیرومندتر خواهد شد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۱۵). ژنرال گاردان از افسران فرانسوی ضمن اشاره به بردباری و قناعت و سختکوشی سرباز ایرانی، برای رسیدن به نقطه‌ای مطلوب، آنان را محتاج به سرمشق و تربیت صحیح می‌داند (گاردان، ۱۳۶۲: ۷۵). مشاهدات سوزوکی از ویژگی‌های نظام ایلی در ایران نیز نشان می‌دهد که مردم ایل در تیراندازی و سوارکاری کارآزموده و زبده‌اند و به طور طبیعی استعداد رزمی دارند (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۱۱۰) و اگر درست و به قاعدت تعلیم بگیرند می‌توانند در میدان نبرد قوی و دلیر باشند» (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

همانطور که اشاره شد بخشی از سیاحت ریشه برخی ناکامی‌های ارتش ایران در برخی از منازعات نظامی را در بی‌کفایتی و ضعف افسران و فرماندهان نظامی جستجو می‌کنند و معتقدند علی‌رغم ضعف افسران و فرماندهان، سربازان ایرانی استعداد و قابلیت بالایی در فنون نظامی دارند. بروگش ضمن ذکر تأکید بر این نکته که دولت ایران برای رفع این نقیصه بزرگ باید امکاناتی فراهم سازد تا سربازان لایق و شایسته ایران بتوانند به درجه افسری و یا فرماندهی ارتقا پیدا کنند در مورد استعداد سربازان ایرانی در مقایسه با سربازان دیگر ملل می‌نویسد «سربازان ایرانی استعداد زیادی برای فراگرفتن فنون جنگی و حرکات نظامی از خود نشان می‌دهند و مطالبی که افسران فرانسوی می‌گویند زودتر از سربازان اروپایی فرا می‌گیرند» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۶۴). پولاک نیز معتقد است «اگر دلسوزی، رسیدگی و مزد مناسبی در کار باشد، زیر نظر فرماندهانی که بتوانند اعتماد سربازان را به خود جلب کنند، این مملکت می‌تواند نیروی نظامی قابل توجهی در اختیار داشته باشد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۴).

شاردن اذعان داشته که موفقیت‌های ارتش ایران در دوره صفویه بدون حمایت از دولتهای خارجی «بیانگر این واقعیت است که ایرانیان بر اثر استعداد ذهنی و نیرو و همت و قابلیت، لیاقت آن دارند که به پیشرفت‌های مهمی نائل شوند.» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۸۷) اوژن فلانندن در سفرنامه خود هوش و ذکاوت سربازان ایرانی را ستوده است (فلانندن، ۱۵۲) او همچنین در گزارش خود به این نکته اشاره کرده که برخی دول غربی از جمله انگلیسی‌ها با علم به اینکه ممکن بود به دلیل استعداد ایرانیان و هوش و توانایی بالای سربازان ایرانی این کشور در کمترین مدتی با اصلاحات ارتش ایران، به یکی از قوی‌ترین دولت‌ها تبدیل گردد تلاش نمودند تا مانع این تحول و پیشرفت نظامی شوند (فلانندن، ۱۳۵۶: ۱۴۹).

البته یکی از افسران ارتش انگلیس که در دوره قاجار در ایران حضور داشته ضمن بازدید بخشی از نیروها و سواره‌نظام ایرانی از نحوه فعالیت و توانایی آنان ابراز رضایت کرده و نوشته است که تاکنون نیروی سواره نظام زیادی را در سایر نقاط دنیا دیده است و در این میان با مردانی زرنگتر و چابکتر از مردان ایرانی مواجه نشده است و به ندرت گروهی را اینچنین آماده به خدمت دیده است. از نگاه او «این سواران چنانچه توسط افسران انگلیسی تعلیم ببینند می‌توانند دشمنان وحشتناکی برای ورزیده ترین قزاق‌ها محسوب شوند» (مک گرگر، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۴) یکی از سیاحان ژاپنی که در ضمن گزارشهای خود به استعداد و قابلیت سربازان ایرانی و امکان تبدیل شدن آنان به برترین رزمندگان و جنگاوران اشاره داشته (ماساجی، ۱۳۹۰: ۳۵) در سفرنامه خود برای اثبات مدعای خود آورده که «سرتیپ راولینسن فقید (مستشرق و سرباز و مأمور سیاسی انگلیس ۱۸۱۰-۱۸۹۵) ایرانشناسی ورزیده چنین دریافت که سربازان ایرانی اگر خوب آموزش ببینند می‌توانند رزمندگان عالی باشند (ماساجی، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۳). یه ناگه تو یوکیچی دیگر سیاح ژاپنی نیز تصریح دارد که «اگر ایرانی‌ها خوب تعلیم و تربیت یابند بهترین و برترین مردان سپاهی در جهان خواهند شد» (تویوکیچی، ۱۳۹۲: ۶۶).

با تکیه بر این گزارش‌ها می‌توان دریافت که سفرنامه‌نویسان در ضمن توصیفات خود به یک مهمترین نواقص و ضعف‌ها در ساختار نظام آموزشی نیروی نظامی ایران اشاره داشته‌اند. نقصی که یکی از مهمترین موانع رشد و توسعه نیروی نظامی و بالفعل شدن استعدادها و توانایی بالقوه سربازان و نیروهای نظامی در ایران بوده است.

دینداری و تعلقات مذهبی نیروهای نظامی

دین، عنصر مرکزی و رئیسه در هر فرهنگ و جامعه‌ای به شمار می‌رود و اساساً هیچ فرهنگی مستقل از دین امکان ظهور نداشته است (الیوت، ۱۳۸۷: ۱۱). با این نگاه بسیاری از ارزش‌ها و رفتارها و هنجارهای اجتماعی و به طور کلی مناسبات اجتماعی جوامع ریشه در باورهای دینی دارد. البته در طول تاریخ این مسئله در میان جوامع مختلف تا اندازه‌ای متفاوت به نظر می‌رسد. به طور خاص در فرهنگ و جامعه ایرانی، دین از جایگاه محوری و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است و همواره در نحوه مناسبات و ارتباطات میان افراد جامعه، اقتصاد، سیاست، سبک زندگی و حتی جزئی‌ترین مسائل حیات فردی و اجتماعی انسان حضور داشته است. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که نظام باورهای دینی تأثیری مستقیمی بر رفتار و منش سربازان و قوای نظامی در ایران داشته باشد. بخشی از سیاحت خارجی ضمن مقایسه قوای نظامی ایران و جوامع غربی به نقش برجسته مذهب در جامعه ایرانی و گرایش‌های مذهبی سربازان و تأثیر آن بر نحوه مناسبات میان آنان با مردم توجه داشته‌اند و در گزارش‌های خود به این شاخصه فرهنگی و هویتی سربازان ایرانی اشاره داشته‌اند.

دل‌واله سیاح دوره صفوی که از نزدیک شاهد اجتماعی از قشون ایران بوده است می‌گوید «روی هم رفته قشون بیشتر به یک اجتماع مذهبی شباهت داشت، تا به اردوی نظامی» (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۲۸۲) شاردن ضمن ستایش نرم‌خویی و نجابت و شرافت و حسن سلوک نیروی دریایی ارتش ایران در دوره صفویه آنان را افرادی مؤمنی توصیف می‌کند که «نه تنها در نهایت آراستگی و امتیازند بلکه از جهت اعتقادات دینی و صدق ایمان مؤمنانی کم‌همالند. آنان پیوسته نام پروردگار و پیغمبر را بر زبان دارند، و خدا و رسولش را هرگز فراموش نمی‌کنند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۰۷).

درووئل ضمن بیان مشاهدات خود از حرکت گروهی از قشون ایران در دوره قاجار از تبرک جستن پرچم توسط سپاهیان و تشبیه آن به بیرق پیامبر (ص) توسط سخنرانان مذهبی حاضر در میان نیروهای نظامی سخن گفته است. در واقع می‌توان گفت در این نگاه، مبارزه و دفاع از مرزها در نظر سپاهیان ایرانی جهاد و امری مقدس جلوه می‌کند و حرکتی است در جهت مبارزه با کفر. لذا در این جهاد مقدس نباید اجازه داد پرچم به دست کفار بیافتد (درووئل، ۱۳۶۵: ۲۷۸). بر این

اساس می‌توان گفت در نگاه سرباز ایرانی حفظ و حراست از مرزهای سرزمینی به مثابه امری دینی و مذهبی و مقدس قلمداد می‌شد و تعلقات مذهبی، حس وطن دوستی و دفاع از وطن را در برابر بیگانگان تقویت می‌نمود.

بروگش در سفرنامه خود ضمن اشاره به نفوذ و سیطره دین در فرهنگ و جامعه ایرانی بر این مسئله تأکید دارد که اساساً دین مهمترین شاخصه هویتی جامعه ایرانی است و به همین خاطر در ایران، سربازان و قوای نظامی با فرمان مجتهدین در صحنه نبرد حاضر می‌شوند. به عبارت دیگر آنان از نهاد دین و روحانیت بیشتر حساب می‌برند تا نهاد سیاست و حکومت.

«به طور کلی دین اسلام در ایران ریشه و نفوذ عمیقی دارد و جایگزین همه آن چیزهایی است که ما در اروپا به عنوان افتخار، وطن، میهن دوستی شاه دوستی و عشق به آزادی از آنها یاد میکنیم. تمام این مفاهیم از نظر این‌ها در دین جمع و خلاصه میشود حتی در مواقع جنگ زمانی که روحانیون اجازه ندهند و جنگ و جهاد را جائر ندانند سربازان دست به اسلحه نمی‌برند (بروگش، ۱۳۶۷، ۱۸۳)

گزارش ساموئل بنجامین نخستین سفیر ایالت متحده آمریکا در ایران که در دوره ناصرالدین شاه در ایران حضور داشته است تأییدی است بر گفته‌ها و مشاهدات بروگش. از نگاه بنجامین قدرت روحانیون در ایران دوره قاجار بیشتر از شاهان است. او ضمن خاطرات خود به این نکته اشاره کرده که قدرت حاج ملاعلی کنی از قدرت شاه بسیار بیشتر است چرا یک اشاره از طرف او کافی است که شاه از تخت سلطنت به زیر کشیده شود. بنجامین در رابطه با ارادت و اطاعت سربازان ایرانی از روحانیون اینچنین می‌نویسد: «سربازان گارد محافظ سفارت آمریکا در تهران به من می‌گفتند با آنکه از طرف شاه مأمور حفاظت جان من و اعضای سفارت شده‌اند اگر حاج ملاعلی کنی به آن‌ها دستور دهد بدون درنگ من و دیگر اعضای سفارت را خواهند کشت» (بنجامین، ۱۳۶۳، ۳۳۲).

از سویی دیگر نباید از نقش واسطه‌ای و تعدیل کننده دین در فرهنگ جامعه ایرانی غافل شد. بررسی گزارش سیاحان نشان می‌دهد دین بر اساس مکانیسم‌های خاص خود مانع از اعمال خشونت عریان در جامعه ایرانی و در میان نظامیان می‌شد. به همین خاطر، با وجود ضوابط و قواعد حاکم بر ارتش در صورت بروز خطایی از سوی افراد نظامی، قوانین و مقررات جزایی جهت

مجازات خطاکاران با شدت و خشونت زیادی همراه نبوده و به ندرت به اعمال مجازات سنگین می‌انجامید. دروویل در این باره در خصوص وضعیت حاکم بر قشون دوره قاجار می‌نویسد:

«با وجود انضباطی که در قشون ایران حکمفرما است، مذهب و از آن بالاتر آداب و رسوم ملی مانع شده است که قانون جزایی که شامل همه افراد قشون باشد به مرحله اجرا درآید و آن‌ها را از بیم مجازات وادار به انجام دادن وظایف سربازی بنماید. خلاف‌هایی که افراد مرتکب می‌شوند از هر نوع که باشد مجازاتش چوب و فلک است، فقط در مورد جنایات تنها شاهزاده است که حق صدور حکم اعدام را دارد» (دروویل، ۱۳۶۵: ۲۸۰).

سیاحان اروپایی این ویژگی را یکی از وجه تمایزات قوای نظامی در ایران با قوای نظامی کشورهای غربی می‌دانند و معتقدند باورها و اعتقادات سربازان ایرانی موجب می‌شد تا آنان علی‌رغم جایگاه و شأن نظامی، در مناسبات میان خود و مردم، رعایت حرمت و مذهب مردم را در نظر داشته باشند و از اعمال خشونت علیه مردم خودداری نمایند (گاردان ۱۳۶۲: ۸۱).

مدارا با مردم

بر اساس گزارش سیاحان خارجی، یکی از مهمترین شاخصه‌های سربازان ایرانی، عدالت و انصاف و رفق و مدارای آنان با مردم است. این ویژگی تا اندازه‌ای برای بروگش جالب توجه بوده که این ویژگی قوای نظامی ایرانی در دوره قاجار را یکی از برجسته‌ترین وجه تمایزات سربازان ایرانیان با سربازان کشورهای غربی معرفی نموده است چرا که از نظر آنان نیروهای نظامی در کشورهای اروپایی در مواجهه و برخورد با مردم هیچ ملاحظه‌ای نداشته و با نهایت خشونت و قواعد نظامی برخورد می‌کنند. او در ضمن بیان خاطره‌ای از درگیری میان گروهی از مردم و سربازان می‌نویسد:

میان چند نفر قاطرچی و سرباز نزع در گرفت قاطرچی‌ها به طرف سربازها حمله کردند به دو نفر آن پس گردنی زدند و با کمال تعجب دیدیم که سربازان هیچ دفاعی از خود نکردند و در صدد حمله متقابل برنیامند بلکه با سکوت و بردبازی کتک را تحمل کرده عقب رفتند. **در حالی که اگر در یک کشور اروپایی این اتفاق روی می‌داد بدون شک سربازان با شمشیر خود به مهاجمان حمله و آنها را مجروح می‌کردند و یا می‌کشتند** مشاهده این واقعه عجیب مطلبی را

که چند بار دیگر هم در ایران شاهد بودم تأیید می‌کرد که سربازان ایرانی آرامترین، صلحجوترین، قانعترین و ساده‌ترین افراد آن کشور می‌باشند (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۳۰-۱۳۱).

در طول تاریخ مسئله تأمین هزینه لشکرکشی و بودجه نظامی یکی از مهمترین مسائل و دغدغه‌های حکومتها بوده است. لذا جنگ همواره با تحمیل فشار مضاعف بر مردم از طریق تأمین مایحتاج نیروهای نظامی در مسیر حرکت شهرها و روستاها همراه بوده است. اما گزارش‌های دلاواله از دوره صفویه حاکی از آن است این وضعیت درباره ایران صدق نمی‌کند. زیرا به جهت وجود ضوابط حاکم بر ارتش ایران، نیروهای نظامی از هر شهر که عبور می‌کردند مبلغ کالای دریافتی از مردم را به آنان فوراً پرداخت می‌کردند. از نگاه او این نحو اردو زدن نیروهای نظامی ارتش ایران کاملاً به نفع ساکنان و مردم آن منطقه بود. به نظر می‌رسد دلاواله از این نحوه رفتار سربازان ایرانی شگفت زده شد و آن را کاملاً متفاوت با رفتار سربازان اروپایی می‌داند و می‌نویسد بر خلاف سربازان ایرانی، سربازان کشور خودش در سر راه خود از مال دوست و دشمن چیزی باقی نمی‌گذارند و ساکنان محلی شهرها و روستاها همه از ترس ظلم و ستم آن‌ها فرار اختیار می‌کنند. در حالیکه در ایران مردم محلی و یا فروشندگان دوره‌گرد از حضور سربازان استقبال کرده و فروشندگان برای فروش کالاها و محصولات خود به سمت لشکر هجوم می‌آورند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۸۲-۲۸۳)

«دهاتی‌ها آنقدر از این وضع بهره‌مند میشوند که تمام سال آذوقه خود را برای ایام عبور اردو انبار می‌کنند، زیرا برای فروش آنها فرصتی مناسبتر از این نیست و از طرفی سربازان نیز به این نحو مایحتاج خود را به ارزانی خریداری می‌کنند و در حقیقت برای هر دو طرف معامله سودبخشی است، و تمام این وضع بر اثر خوشرفتاری سربازان نسبت به سکنه و مردم عادی به وجود آمده است. و این رفتار با بی‌انضباطی اسپانیولیه‌ها و افراد مسلح حکومت بدبخت ناپل، به طوری که همه میدانند، از زمین تا به آسمان فرق دارد.» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۸۳)

به گفته شاردن «مخارج خواربار و لوازم دیگر سربازانی که آنان را به جنگ می‌برند با خودشان است.. اما هرگز چیزی در اردو کم یا نایاب نیست. زیرا فروشندگان بسیار داوطلبانه همراه سپاه حرکت می‌کنند.. و به افراد سپاهی می‌فروشند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۰۰). کمپفر یکی دیگر از سیاحان دوره صفویه هم به فروش خوراکی‌ها و کالای مورد نیاز به سربازان از طرف مردم

اشاره کرده است. او می‌گوید اگر سربازی پول نداشته باشد چنانچه دارای اعتبار باشد به او قرض داده می‌شود اما کسانی که نه پول دارند و نه اعتبار شبانه ناگزیر به غارت هستند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۳) پاسیفیک دوپرونس از سیاحان خارجی نیز در گزارش خود ذکر کرده است که «یک سرباز هم جرأت ندارد بدون پرداخت بها جنسی را ببرد چون سزایش مرگ است» (قریب، ۱۳۷۷: ۸۴).

ژوبر که در عهد فتحعلیشاه در ایران حضور داشته نوشته به موجب فرمان شاه هر دهکده‌ای که سپاهیان از آن عبور می‌کنند از پرداخت خراج معاف هستند (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۲) او همچنین گزارش کرده است که که وقتی سپاهیان از خوراکی‌های یک منطقه استفاده می‌کنند ناظرانی که از پیش تعیین شده‌اند به کلاترهای آن منطقه یک رسید حاوی لیست کالاها در یافتی می‌دهند تا مبلغ آن از خراج منطقه کسر شود (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۱).

همانطور که در لابه لای گزارش سیاحان بیان شد دین به عنوان عنصر مرکزی و رییسی در فرهنگ ایرانیان نقش بسیار تعیین کننده‌ای در مناسبات جامعه ایرانی و نظام اجتماعی ایفا می‌کند. شاید بتوان گفت دین در فرهنگ ایرانی موجب کاهش استفاده از قوه قهریه و زور از سوی نیروهای نظامی و سربازان نظام سیاسی علیه مردم می‌شد. چرا در آموزه‌های مذهبی شیعه همواره بر رفق و مدارا و مهرورزی نسبت به دیگران و رعایت عدالت و انصاف و حرمت و حقوق مردم تأکید می‌شود. به همین خاطر ژنرال گاردان فرانسوی در گزارش خود آورده که در ایران سربازان و گروههای نظامی به جهت رعایت حریم و حرمت مردم اجازه ورود به خانه‌ها آنان را ندارند (باید از جا دادن قشون در شهرها و قصبات احتراز کرد زیرا که بر حسب معمول ایرانی‌ها به هیچ بهانه نمی‌توان در خانه‌های ایشان قدم گذاشت به علاوه رعایت احترام مذهب مردم نیز لازم است.) (گاردان، ۱۳۶۲: ۸۱) پیداست که در این گزارش ژنرال گاردان تلویحاً خواسته است به نحوه مناسبات ارتش ایران با مردم و تفاوت این شیوه رفتار در کشورهای غربی اشاره کند.

مأموران و سربازان حکومت به واسطه برخی ملاحظات مذهبی و اعتقادی به ویژه در برخی از ماه‌ها مثل ماه محرم بیشتر در برابر مردم از خود نشان می‌دادند. گزارش شماری از سیاحان از نحوه مواجهه زندانبانان و مأموران حکومتی در برابر درخواست مردم مبنی بر آزادی برخی از زندانیان، در ماه محرم گواهی است بر اینکه مذهب تأثیر بسیار زیادی در کاهش خشونت و اعمال قدرت نیروهای نظامی در برابر مردم داشته است.

بر اساس گزارش ساموئل بنجامین گروه‌هایی از مردم در حین و یا پایان عزاداری از نهادهای قدرت تقاضای آزادی زندانیان را می‌نمودند و حکومت و نیروهای نظامی و امنیتی تسلیم این خواسته عمومی می‌شدند و زندانی یا زندانیان مورد نظر را آزاد می‌کردند. او می‌نویسد:

« در روزهای دهه ماه محرم معمول است که دسته‌های عزاداری جلوی زندان و یا انبار دولتی رفته و تقاضای آزادی زندانیان را که فهرست آنها را قبلاً تنظیم کرده‌اند می‌نمایند و متصدیان زندان هم برای آنکه به زندان حمله نکنند تسلیم تقاضایشان شده و آن زندانی‌ها را آزاد می‌نمایند. در سال ۱۸۸۴ که من در تهران بودم ۶۵ نفر زندانی را به این ترتیب از زندان آزاد کردند...» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۳۰۴).

هانری رنه دالمانی هم در سفرنامه خود ضمن توصیف مراسم قمه زنی از حرکت عزاداران به سمت زندان‌ها و تلاش برای آزادی برخی زندانیان سخن گفته است (رنه دالمانی، ۱۳۳۵، ۱۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری

سفرنامه‌های خارجی حاوی اطلاعات در خور توجهی در خصوص ویژگی‌های جامعه ایرانی و توصیف شاخص‌های هویتی گروه‌های مختلف صنفی است. مطالعه و بررسی در باب چیستی و چگونگی جامعه ایرانی بدون تمرکز و توجه بر ویژگی‌های اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی مطالعه ناقصی است. در اغلب پژوهشهایی که در رابطه با ارتش و ساختار آن در ایران انجام یافته از ابعاد سیاسی و نظامی به این موضوع نگریسته شده است. در این مطالعه تلاش شد تا با رویکردی اجتماعی ضمن مطالعه سفرنامه‌های دوره صفویه و قاجار ضمن بررسی مهمترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های سربازان و قوای نظامی متابه یکی از عناصر اجتماعی جامعه ایران تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی ویژگی‌های سربازان و ساختار حاکم بر آن و نیز مناسبات و ارتباطات آنان با مردم ارائه شود.

اگر چه بخشی از سیاحان خارجی ضمن مقایسه ساختار ارتش در ایران با ساختار و نظام ارتش در کشورهای قدرتمند اروپایی بر ضعف نظام ارتش در ایران به طور کلی تأکید دارند اما در اغلب سفرنامه‌ها، ویژگی‌های سربازان و قوای نظامی ایران مورد ستایش سیاحان قرار گرفته و در گاهی موارد سربازان ایرانی به مثابه عنصری برابر و حتی برتر نسبت به سربازان کشورهای اروپایی معرفی

شده‌اند. مطالعه سفرنامه‌ها از دوره صفویه تا قاجار نشان می‌دهد از نگاه سیاحان خارجی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی و پشتکار، شجاعت و مهارت، باهوش و مستعد و آموزش‌پذیر، دینداری و داشتن تعلقات مذهبی و رفق و مدارا با مردم از جمله برجسته‌ترین و مهمترین ویژگی‌های سربازان ایرانی به شمار می‌شود.

نتایج این پژوهش انگاره‌های غالب و منفی در باب ویژگی‌های انسان ایرانی در طول تاریخ را مورد تردید قرار داده و نشان می‌دهد بخشی از ویژگی‌های مثبت جامعه ایرانی در ویژگی‌های سربازان و قوای نظامی ایرانی بازتاب یافته است. سربازان ایرانی به مثابه بخشی از عناصر اجتماعی جامعه ایرانی واجد ویژگی‌هایی همچون پشتکار و سختکوش و با استعداد بوده و از نگاه سیاحان در صورت تربیت و آموزش صحیح می‌توانند به یکی از قدرتمندترین ارتش‌های دنیا تبدیل شوند. این مسئله به ویژه در چارچوب کلان مسئله نظام‌سازی و تربیت نیروی انسانی ارتش می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران حوزه نیروهای مسلح قرار گیرد. چرا که از یک سو با ایجاد تردید در انگاره ضعف ذاتی انسان ایرانی در مقایسه با دیگری ذهن سیاستگذاران حوزه نظامی را به سوی اصلاح ساختارها و سیستمهای آموزشی و تربیتی معطوف می‌سازد.

دینمداری و تعلقات مذهبی یکی از وجوه تفاوت و تمایز سرباز ایرانی با سربازان اروپایی است. به همین دلیل ارتش در ایران بیشتر تابع روحانیت و مجتهدین بوده تا حاکمان و شاه و در صورت صدور فرمان جهاد از سوی عالمان دینی در میدان نبرد حاضر می‌شوند. باورهای مذهبی و تقیدات شرعی در میان نظامیان ایرانی مانع از تجاوز و ظلم نیروهای نظامی به مردم شده و از طرفی موجب شده است تا سربازان ایرانی در مواجهه با مردم با رفق و مدارا رفتار نمایند. این وضعیت درست بر خلاف واقعیت‌هایی است که در جامعه غرب مشاهده شده است. بر این اساس می‌توان گفت مذهب به مثابه یکی از مهمترین شاخصه‌های هویتی سربازان ایرانی همواره موجب تقویت حس هویت ملی و دفاع از مرزهای سرزمینی بوده است. لذا در چارچوب تربیت نیروی انسانی و نظام‌سازی ارتش، تقویت ایمانی و دینی قوای نظامی می‌تواند به تقویت ساختار ارتش در ایران و در نتیجه حفظ و حراست از کشور در برابر تهدیدات نظامی و امنیتی بیانجامد.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، جواد (۱۳۸۵). «فرایند اصلاحات سازمان نظامی در دره قاجار»، مجله زمانه، سال ۵ شماره ۵۲، صص ۵۲-۵۵.
- اورسل، ارنست؛ (۱۳۵۲)، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، چاپ نخست.
- اولناریوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه آدام اولناریوس*؛ ترجمه احمد بهپور؛ تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار. بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران: ۱۸۵۹-۱۸۶۱*. سفرنامه ایلچی پروس در ایران، ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان*، ترجمه‌ی حسین کردبچه، تهران، انتشارات علمی بی نا؛ (۱۳۷۸)، *سفرنامه ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.
- پاتینجر، هنری. (۱۳۴۸). *مسافرت سند و بلوچستان: اوضاع جغرافیائی و تاریخی*، یک نقشه (ترجمه شاهپور گودرزی). تهران: کتابفروشی دهخدا
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۶). *تحولات قشون در تاریخ معاصر*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
- تویوکیچی، یه نا گا (۱۳۹۲) *سفرنامه یه نا گا تویوکیچی در ایران و آناتولی*. ترجمه هاشم رجب زاده و کینجی ئه اورا انتشارات طهوری .
- دالمانی، رونه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره وش، تهران: امیرکبیر
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم. تهران: شبانویز.
- دلاواله، پیترو؛ (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیترو دلاواله*: ترجمه و شرح و حواشی از شعاع الدین شفا، تهران، علمی فرهنگی.
- دوگوبینو، کنت (بی تا)، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح الله منصوری، انتشارات فرخی.
- زنو، کاترینو (۱۳۷۸). *سفرنامه کاترینو زنو در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران در زمان اوزون حسن و آق قویونلو و اوایل عهد صفوی*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی
- ژوبر پ. امده. (۱۳۴۷). *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علیقلی اعتمادمقدم، تهران: انتشارات بیناد فرهنگ ایران
- سوزوکی، شین جوئه؛ (۱۳۹۳)، *سفرنامه سوزوکی شین جوئه*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه اورا انتشارات طهوری.
- شاردن، ژان؛ (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، تهران، توس.
- شیبانی، ژان رز فرانسواز. (۱۳۵۳). *سفراروپائیان به ایران* (ترجمه ضیاء الدین دهشیری). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- شیخ‌نوری، محمد امیر (۱۳۸۵) تغییر ساختار ارتش ایران از سنتی به مدرن، *زمانه*، شماره ۵۲، ۲۰ تا ۳۰
- صحت منش، رضا (۱۳۹۷) «نظام توپخانه در دوره قاجار»، مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۴، ۸۷-۱۱۴
- علم، محمدرضا و حمزه حسینی (۱۳۹۷). «بررسی موانع شکلگیری ارتش مدرن در نیمه نخست حکومت قاجار»، *مطالعات تاریخی جنگ*، سال دوم ش ۲، ۱۱۵-۱۴۲
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). تاریخ ارتش ایران، تهران: انتشارات آشیان.
- فلاندن، اوژن ناپلئون؛ (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه فوروکاوا: عضو هیئت اجرایی نخستین سفارت ژاپن به ایران در دوره قاجار*، ترجمه هاشم رجب زاده و کینجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فیگوئرا، گارسیدا سیلوا؛ (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیدا سیلوا فیگوئروا*، غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- قریب، شکوه عظمی (۱۳۷۷). روزنه‌ای به تاریخ ایران در سده‌های گذشته، ترجمه ژان قریب، تهران: شرکت سهامی انتشار
- کمپفر، انگلبرت؛ (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
- گاردان، کنت آلفرد دو (۱۳۶۲) *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه
- ماساجی، اینووه (۱۳۹۰) *سفرنامه ایران*، ترجمه هاشم رجب‌زاده تهران: طهوری
- مک گرگر، کنل سی . ام (۱۳۶۸). سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵، جلد دوم، ترجمه اسدالله توکلی طیبی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- موسوی، سیدهادی (۱۳۹۱). ساختار ارتش ایران در دوره قاجار از سلطنت آقا محمدخان تا پایان عهد سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ه.ق) پایان نامه کارشناسی ارشد استاد راهنما محمد امیر شیخ‌نوری استاد مشاور، سید هاشم آقاجری دانشگاه تربیت مدرس
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۸). اهمیت تاریخی سفرنامه‌های ایران. *مجله تحقیقات تاریخی*. ۱. (۳). ۴۹۵-۵۳۲.
- وارینگ، ادوارد اسکات، (۱۳۶۹). «سفرنامه ادوارد اسکات وارینگ» در ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران ترجمه مه‌راب امیری انتشارات وحید.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، انتشارات نوین.
- الیوت، تی . اس (۱۳۸۷). *درباره فرهنگ*، ترجمه حمید شاهرخ، تهران: نشر مرکز
- مهرابی، حسین و غلامرضا میرزایی، علی فتحی اشتیانی و رضا کرمی نیا (۱۳۹۴). نقش ویژگی‌های شخصیتی در سبک زندگی نیروهای نظامی، *روانشناسی نظامی*، دوره ۶، ش ۲۱، ۲۹-۳۸
- بهرامی، محمود و بخشعلی کامرانی صالح (۱۳۹۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی با میزان هیجان‌خواهی نیروهای عملیاتی یک سازمان نظامی، *روانشناسی نظامی*، دوره ۷، ش ۲۸، ۲۹-۴۴

و ثوقی، منصور، حسین میرزایی و جبار رحمانی. (۱۳۸۴). فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات شماره ۲: 303 تا ۳۲۴

